

بآل... لازم میسریم تکراری چند هم که شاید لغت آنها بحث در خاطر آنجا بود یا حضرت امام عینی باشد وی کدام آنها دارم منکر که
 جازاً عرض کنم. از بدو انقلاب من و دیگران با سید هاشمی را من تبت بگذردیم و برای بفرستادن آن حرکت آورنده بر خاطر اسی برادر حضرت
 نسبت بجان تقبل کردیم و حق تقسیم بر آن داشتیم که در هر وقت گفت نصرت جنگ مسلمان را آغاز کنیم و یاد حضرت گرفتاری با تحمل شکنجه جان
 هم و یا حتی خود را بدهیم چون احسان سیریم بعد از گذشت جای زندگی و تحمل سخت عاری از هر هار اندازیم. در آن حالات خدا پرور شدیم و
 همه رسید خود را آن بستیم که علمای عظام با آن پیش وزارت و با توجیب میان دین اسلام همه را بدانند رهبری گفته که جای هیچ کس
 ایرادی برای دولت در پیش باقی نگذارند. وی تا زمانه از ابتدا ای امر همه چیز سرسری گرفته شد و اشتباهات است سر هم طالقانی پیش
 آوردند که واقعا باعث صند است. عملاً تیمار رهبری را در تکرار کردند و تیمار روزی را مصدر کار کردند و... که لازم به تذکره است
 نیست خویش را در هر چیزی که گفته خبری گفت و بعد از آن مرد که فراموش شده است که در هر قدری را در هر قدری را در هر قدری را
 و پیش از آنکه بر سر دم بدانند که آزاد نگذاشته اند که در هر حرف سخت و زبر را هم نمی خوانند در ظرف همین یک ماه ایراد آنقدر زیاد
 است که آنان از بر سر دم آنها صند میگردیدند که در دولت جوان است و گرفتاریها بسیار وی حرف در این است که چرا به کسی
 که یک گرفتاری دارد و آنرا رفع نکرده است برای خودش گرفتاریهای تازه بیان کند. من نمی خواهم همه ایرادها را نمی نویسم بسیار وی در بیان
 آمده ام و ناچار آنکه این چنین بنویسم. من سیدیم که در آن مجلسی همه سینه مطابق قرآن است وی حرف در این است که اگر به زامی قرآن مستقیم
 چاره ای در آن توهمی نیست. اگر قرآن گفته است زن به حجاب درشته است و در بیان را پیش از آنکه هم فرمود پس چرا در اول فرمود
 همه تغییر دارد و در آن گفته روزنامه ها و دیگران بپوشانند و در بیان از آن گفته می گوید حجاب یعنی چادر و در سر و کلاه و کلاه و کلاه
 عفت و وقار اینها که همی را اول می نمودند و اگر حجاب پوشیدن گفته و باز در آن و زینب را برانیده و بالای زانو و روی سر است پس چرا گفته
 حجاب یعنی کلاه. هر کس حرف گفته عدای از بیان رفتند و سخن کردند و در بیان را عطف کرد و در بیان که در آن ذکر شده نه همان می
 سر و زینت نه همان نسبت های تحریف گفته است پس به هر در مقابل می گفته زن و کمرش است و کمرش است که تا آن تحریف صورت تو خط
 آن حضرت می گوید مستولین اجناسی در این ضایع بنشیند. یا در حاکم گرفتاریهای فرادان داریم. گرفتاریهایی که رفع آنها بر حجاب زنان اولی است
 هندو آنها را رفع نکرده ایم هندو از دست و زبان کوشش و سادگی هار است نکرده ایم آنچه کار می کنیم که گرفتاری زنهایم بر آن اضافه کرد
 آیا حضرت آیت... این کارها صحیح است مرتب گرفتاری از پس گرفتاری برای اعمال را بر این است که چه کنیم پس نکرده ایم
 آنچه که کوشش دیگران را و اولی به اعتراض سینه ماها باید در آورده و در اجتماعات با آنها بگیریم و بیست آن سینه من از شما تقاضا داریم اینها را به
 بگویند که مرتب باید از این کارها دفاع کنیم هندو زبان آنها از ایرادی گفته شده بهانه دیگر است که در آن سال بردا آن حرف اگر میخواست
 تمام بگویند چون همه ما اشتباه میکنیم فقط خدا اشتباه نمیکند. حضرت محمد تا آمدند در دین اسلام را در دست ۲۳ سال بردا آن حرف اگر میخواست
 که بگویند عجله کند حالا در دنیا مسلمانان بنشیند. زنهای ایران ۵ سال با بی حجابی و بعضی آنها با بی آبرویی عادت کرده اند مسلم است که اگر
 با بی حجابی با حجاب شویم آنهم در این مرتبت خاطر که هزاران دشمن و بدتر از همه کوششها در یکی نصرت هستند کاری اشتباه است ولی حالا
 که کار از کار گذشته و اما فرموده زنهای با بی حجاب هستند لامل باید بگویند که زنهای حجاب اسلامی را رعایت گفته یعنی از دست و زبان بیجا و عده ای
 نباید گرفته آمد بگویند زنهای با بی حجابی بلند است و سینه بلند و لقب است. بپوشند حصصاً در اداره. لامل تا این حد این دست را به دستال کرد
 که آبروی و آن فقط بودند که کنیم بگویند بیجا شده اند و یا در مقابل اعتراض یک عده زن قرآن را عقوبت کردند. من سیدیم هم با
 حجاب مرا فتم وی اعتراض من در این است که چرا به قبل از وضع گرفتاریها که موجود فعلاً باین مرصع بر سر و صد آورده است
 که خاطر کوششها که میماند گران بی اسرارش با ای آنها نیز سینه جقدر خطرات و شاید بدتر از ساد است هستند بنابراین به ما مقصدی
 نداشتند که اشتباه گفته مرصع حجاب را قاطعاً بجز آبرو و سینه ای دنبال کنند بدان صورت که بگویند بیجا و خطرات است

